

تقطیع روایات در وسائل الشیعه

مجید معارف^۱
 محمدحسین بهرامی^۲
 محمد قندهاری^۳

چکیده

در دوره معاصر، کتاب *وسائل الشیعه* در میان فقها و حدیث پژوهان به عنوان مهم ترین کتاب مشتمل بر تقطیع های آسیب زا معرفی شده است. این نوشتار، با بررسی ویژگی های تقطیع در *وسائل الشیعه* و جست و جو و تحلیل موارد آسیب زای تقطیع در این کتاب و مقایسه آن با روش کتاب *جامع احادیث الشیعه* در پی ارزیابی پیامدهای تقطیع در این جامع حدیثی است. اشاره دقیق به موارد تقطیع و چگونگی آن توسط مؤلف و نادر بودن موارد تقطیع آسیب زا در این کتاب، حکایت از استحکام شیوه حر عاملی و دقت ایشان دارد. *جامع احادیث الشیعه* در غیر اسباب صدور حدیث و نقل فضای پیرامونی آن، همانند *وسائل الشیعه* ناچار به تقطیع روایات شده است. این موارد حکایت از آن دارد که آسیب های ناشی از تقطیع در کتاب *وسائل الشیعه* بسیار اندک بوده و قابل پیشگیری است.

کلیدواژه ها: تقطیع حدیث، آسیب شناسی فهم احادیث، *وسائل الشیعه*، حر عاملی، *جامع احادیث الشیعه*.

۱. مقدمه

تقطیع، به معنای جدا کردن بخش مورد نیاز از یک حدیث طولانی است که بیشتر ضمن فرآیند بخش بندی احادیث تحت ابواب و موضوعات مناسب و به جهت جلوگیری از حجیم

۱. استاد دانشگاه تهران (maaref@name.com).

۲. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول) - (mbahrami@noornet.net).

۳. دانشجوی دکترای دانشگاه تهران (ghandehari@gmail.com).

شدن ابواب صورت می‌پذیرد. تقطیع باید به نحوی انجام پذیرد که معنای بخش جدا شده، قبل یا بعد از تقطیع، تفاوت نکند.^۴ تقطیع، پیش از شروع تدوین احادیث، بیشتر به طور شفاهی وجود داشته^۵ و از اواخر قرن دوم هجری، هم‌زمان با تدوین جوامع روایی، بیشتر با هدف تبویب روایات رخ داده است.^۶ بیشتر جوامع حدیثی فریقین، از جمله کتب اربعه شیعه و کتب سته اهل سنت، به ضرورت تبویب و اختصار، به تقطیع احادیث پرداخته‌اند. این تقطیع‌ها در مواردی منجر به اختلاف و اجمال در فهم حدیث و یا تعارض در میان روایات گردیده است.^۷ از این رو، وحید بهبهانی می‌نویسد:

وأيضاً أحادیثنا لم تكن في الأصول هكذا، بل تَقَطَّعَتْ تَقَطُّعاً كَثِيراً، وهذا يوجبُ التَّغْيِيرَ. وقد وَجَدْنَا مِنَ الشَّيْخِ، أَنَّهُ قَطَّعَ بَعْضَ الْأَحَادِيثِ مِنَ الْكَافِي، فَتَغْيِيرَ الْحَكْمِ مِنْ جِهَتِهِ.^۸

موضوع تقطیع حدیث و پیامدهای آن از جهت انتقال معنای واقعی روایات، همواره از دغدغه‌های حدیث پژوهان بوده است. از این رو، در بیشتر کتاب‌های علم الحدیث مسأله تقطیع حدیث و بحث منع و جواز آن به صورت مستقل یا در ذیل نقل به معنا مورد بحث قرار گرفته است و علل متفاوتی برای آن ذکر شده است.^۹ با توجه به آسیب‌های احتمالی ناشی از تقطیع، معتقدان به جواز نیز این عمل را برای کسی مجاز دانسته‌اند که معنای همه حدیث را بداند و پس از تشخیص اجزای متن و قرینه‌های مؤثر در معنا، مقدار لازم را برای فهم صحیح معنای حدیث بیاورد. حدیث پژوهان در مواردی که گمان تقطیع نادرست می‌رود، توصیه می‌کنند که با مراجعه به منبع اصلی و نیز مآخذ دیگر حدیث، متن کامل مشاهده شده و از آسیب احتمالی جلوگیری گردد.^{۱۰}

یکی از مهم‌ترین جوامع حدیثی شیعه که در دوران معاصربه تقطیع نادرست مشهور شده است، کتاب تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، معروف به وسائل

۴. برگرفته از *الرعاية في علم الدراية*، ص ۳۱۹؛ و أما تقطیع المصنف الحدیث: فیه، آی: فی مصنفه المدلول علیه بالاسم، بحیث: فرقه علی الأبواب اللاتقة به، للاحتجاج المناسب، مع مراعاة ما سبق من تمامية معنى المقطوع.

۵. *عمدة الأصول*، ج ۱، ص ۹۵. برای نمونه‌های بیشتر، ک: *آسیب شناخت حدیث*، ص ۱۰۵ - ۱۰۷.

۶. «تقطیع حدیث، علل و پیامدهای آن»، ص ۱۲۱.

۷. «بررسی آسیب تقطیع نادرست در روایات»، ص ۱۳۵.

۸. *الفوائد الحائرية*، ص ۱۹۹. ترجمه: احادیث ما در اصول بدین کیفیت نبود، بلکه اکنون بسیار قطعه قطعه شده که این امر موجب تغییر در آنها گردیده است. از این رو، دریافته‌ایم که شیخ طوسی رحمته الله برخی از احادیث را تقطیع نموده که بدین سبب حکم آن نیز تغییر یافته است.

۹. «تقطیع حدیث، علل و پیامدهای آن»، ص ۱۲۱.

۱۰. *آسیب شناخت حدیث*، ص ۹۹ و ۱۰۹.

الشیعه، اثر سترگ محدث بزرگ قرن یازدهم، شیخ حرعاملی (م ۱۱۰۴ق) است. بسیاری از فقهای معاصر، به خصوص از زمان آیه الله بروجردی و تأکیدهای ایشان، به تقطیع‌های این کتاب اعتراض کرده و بسیاری از تقطیع‌های وسائل الشیعه را از سنخ «تقطیع نادرست» دانسته‌اند.^{۱۱}

هر چند موضوع تقطیع و پیامدهای آن در آثار متعددی از جمله در مقاله‌ای از همین مجله، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است،^{۱۲} ولی در باره موضوع تقطیع در کتاب وسائل الشیعه، تنها به تکرار بیان اشکال و حداکثر ذکر یک یا چند نمونه محدود اکتفا شده و این مسأله از جوانب مختلف مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. این مقاله به قصد راستی‌آزمایی این ادعا نگاشته شده است.^{۱۳} در ادامه، ویژگی‌های وسائل الشیعه و تقطیع‌های آن را مرور کرده و به بررسی موردی و تحلیلی تقطیع در وسائل الشیعه می‌پردازیم و با بررسی نظریات متفاوت برخی از صاحب‌نظران، به قضاوت در باره عمل کرد شیخ حرعاملی در این کتاب می‌نشینیم.

۲. ویژگی تقطیع‌های وسائل الشیعه

همان‌طور که گذشت، پدیده تقطیع در جوامع حدیثی امری تقریباً فراگیر بوده که در بیشتر جوامع رخ داده است؛ اما تقطیع در وسائل الشیعه دارای ویژگی‌های خاصی است که در این فصل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۲-۱. کثرت تقطیع

مهم‌ترین ویژگی تقطیع‌های کتاب وسائل الشیعه کثرت موارد آن است. اختصاص هر باب از کتاب به یک مسأله فقهی از یک سو و تلاش برای حفظ اختصار از سوی دیگر،

۱۱. رک: ادامه همین مقاله؛ به ویژه بخش (۲-۱).

۱۲. «بررسی آسیب تقطیع نادرست در روایات».

۱۳. لازم به ذکر است که آسیب‌های تقطیع در کتب حدیثی از جمله وسائل الشیعه، هم از جهت سند و هم از جهت متن می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. نویسندگان، در این مقاله تنها به آسیب‌های متنی تقطیعات وسائل الشیعه پرداخته‌اند و بررسی آسیب‌های تقطیع از لحاظ سندی نیازمند بحثی مستقل است. در این باره رک: «جامع احادیث شیعه امتیازها و ضعف‌ها و روش استفاده از آن»، قسمت ب/۴-۴ و ۴-۵ و «اسناد ویژه الکافی در وسائل الشیعه»، ص ۱۹۹-۲۰۳. برای بررسی آثار اختصار براسناد روایات در وسائل الشیعه رک: همان، ص ۱۵۲-۱۵۶ و نیز ۱۹۲-۱۹۴. همچنین آسیب‌های متنی و سندی تلفیق روایات مشابه یا تکراری در وسائل الشیعه نیز از حوزه این پژوهش بیرون است. رک: همان، ص ۱۶۶-۱۶۹ و «جامع احادیث الشیعه امتیازها و ضعف‌ها و روش استفاده از آن»، بخش ۵-۲.

موجب افزایش موارد تقطیع در این کتاب شده است؛ به شکلی که این کتاب نزد علما، به عنوان بارزترین نمونه از جوامع حدیثی شیعه دارای تقطیع شناخته شده است.^{۱۴} این شهرت به ویژه پس از اشاره آیه الله بروجردی به این مسأله شکل واضح تری پیدا کرده و مورد توجه علما و به ویژه شاگردان ایشان قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه، آیه الله موسی نجفی خوانساری پس از طرح احتمال تقطیع، چنین توضیح می دهد:

حيث إن بناء صاحب الوسائل على تقطيع الأخبار.^{۱۵}

آیه الله حجت کوه کمری نیز در کتاب *النجم الزاهر*، پس از ذکر یک مورد از تقطیعات *وسائل الشیعة*، آورده است:

ذكرها في الوسائل تقطيعاً كما هو دأبه في نقل الروايات.^{۱۶}

آیه الله خوبی در *التنقيح*، پس از بیان اشکال پیش آمده در فهم روایت، آن را از ناشی از تقطیع مؤلف *وسائل الشیعة* و عدم نقل جمله قبلی معرفی نموده، و در ادامه این عمل را «دأب صاحب الوسائل» می داند.^{۱۷} آیه الله مکارم از شاگردان آیه الله بروجردی نیز در باره رواج پدیده تقطیع در کتاب *وسائل الشیعة* آورده است:

دیدن صاحب الوسائل في تقطيع الروايات معلوم لكل من له أنس بكتابه.^{۱۸}

همچنین، آیه الله فاضل، شاگرد دیگر آیه الله بروجردی، پس از ذکر یکی از موارد تقطیع مخل به معنا در *وسائل الشیعة*، می فرماید:

هذه احدى النقائص الموجودة في كتاب الوسائل، التي دعت سيدنا المحقق الأستاذ البروجردی رحمته الله الى تشكيل لجنة لجمع أحاديث الشيعة، خالياً عن نقائص الوسائل.^{۱۹}

یا محقق کتاب *مستند الشیعه* هنگامی که مطلبی را ناشی از تقطیع روایت اعلام می کند، می نویسد:

منشؤه تقطيع الرواية كما هو غير عزيز في الوسائل.^{۲۰}

۱۴. به عنوان نمونه، رک: *درایة الحدیث*، ص ۱۵۸.

۱۵. *رسالة في قاعدة نفي الضرر*، ص ۱۹۳.

۱۶. *النجم الزاهر في صلاة المسافر*، ص ۱۶.

۱۷. *التنقيح في شرح العروة الوثقى*، ج ۶، ص ۴۷۸.

۱۸. *القواعد الفقهية*، ج ۱، ص ۴۴.

۱۹. *کتاب الحج*، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲۰. *مستند الشیعة في احکام الشریعه*، ج ۲، ص ۳۲۳ (پاورقی).

موارد بالا تنها نمونه‌هایی از مواردی است که در آنها علمای شیعه به کثرت تقطیع در وسائل و شهرت این امر اشاره نموده‌اند.

۲-۲. انگیزه مؤلف وسائل از تقطیع روایات

با بررسی تقطیع‌های صورت گرفته در مصادر روایی، می‌توان انگیزه شیخ حرعاملی و نیز سایر تبویب‌کنندگان جوامع روایی را از تقطیع احادیث در دو دلیل خلاصه نمود: دلیل اول، جلوگیری از طرح مباحث در غیر موضع مربوط به خود است. تدوین‌کنندگان روایات تلاش نموده‌اند تا هر بحث را حتی الامکان به صورت جامع و مانع طرح نموده و ضمن گردآوری کلیه روایات مرتبط و پرهیز از ذکر روایات غیر مرتبط (یا بخش‌هایی که با بحث ارتباطی ندارند، به ویژه بخش‌های بسیار طولانی) استفاده مراجعان را تا حد زیادی تسهیل نمایند.

دلیل دوم، تقطیع روایات تلاش برای مختصرسازی کتاب است. طولانی بودن کتاب‌های حدیثی می‌تواند مشکلات فراوانی را برای نویسندگان و بهره‌برداران از این کتاب‌ها ایجاد کند. مشکلات و هزینه‌های فراوان تهیه و استفاده ابزارهای استنساخ، مشکل در نگهداری و حمل و نقل، و مواردی از این قبیل از مسائلی بود که مؤلفان را بر آن می‌داشت که در عین تلاش برای جامع‌نگاری، از تلاش برای مختصرنویسی نیز دریغ ننمایند.

مؤلف *وسائل الشیعه* در انتهای کتاب از خوانندگان می‌خواهد که برای تتبع احادیث به مراجعه به یک باب کتاب اکتفا نکنند و برای این امر سه دلیل اصلی ذکر می‌کند: اولین دلیل، آن است که تقطیع بیش از این ممکن نبوده، چرا که بسیاری از احادیث حاوی قسمت‌هایی بوده‌اند که قابل تقطیع نبوده‌اند و باعث شده که گاهی روایات برخی احکام در غیر باب اصلی خود نقل شوند و اگر امکان تقطیع همه روایات وجود داشت، این مشکل پیش نمی‌آمد. دوم، آن که مضمون همه اخبار در ذهن ایشان باقی نمانده تا بتوان به دیگر اخبار مرتبط آن باب نیز اشاره شود و دلیل سوم، آن که مؤلف *وسائل الشیعه* در گردآوری احادیث هر باب، به برخی از روایاتی که در ذیل موضوع مورد نظر صادر شده، اکتفا کرده است.^{۲۱} ظهور این کلام در این است که وی به قصد اختصار سعی نموده تا جایی که ممکن است به تقطیع احادیث دست بزند تا بتواند از هر حدیثی که بخشی مرتبط دارد، تا حد

۲۱. *وسائل الشیعه*، ج ۳، ص ۵۴۲: فعلیک بکثرة التتبع لهذه الأحادیث والمطالعة لها، ولا تقتصر علی الباب الذی ترید، فقد بقیت أحكام منصوصة فی غیر مظانها إذ لم یمكن تقطیع الأحادیث کلها أو اکثرها، ولا الإشارة إلی مضمون الجمیع لعدم الاستحضار وللاکتفاء بالبعض و غیر ذلك.

ممکن بهره ببرد.

۲-۳. اشاره به محل تقطیع

کتب اربعه - که پیشگامان تبویب روایات بوده‌اند - مشتمل بر موارد متعددی از تقطیع روایات هستند؛ به عنوان نمونه در این کتب موارد متعددی از اضمار در روایت دیده می‌شود که بخش زیادی از این موارد را باید ناشی از تقطیع صورت گرفته توسط مؤلفان این کتاب‌ها یا مصادر آنها دانست.^{۲۲} با وجود این مسأله، تصریح به تقطیع روایت و حذف بخشی از آن توسط مؤلفان این کتاب‌ها یا مصادرشان معدود و انگشت‌شمار است.^{۲۳} در نقطه مقابل، در *وسائل الشیعة*، در بیشتر مواردی که در روایت تقطیع روی داده است، با تعابیر مختلف به وقوع آن اشاره شده است.

برای تبیین این مسأله، می‌توان دو دلیل عمده را حدس زد: دلیل اول، آن است که به نظر می‌رسد نگرانی از فقدان مصادر برای آیندگان، در دوره مؤلف *وسائل الشیعة* جدی‌تر از دوره نگارش کتب اربعه بوده است. در مقدمه هیچ یک از کتب اربعه اشاره‌ای به مسأله نگرانی از مفقود شدن و از بین رفتن مصادر نشده است؛ در حالی که در دوره نگارش *وسائل الشیعة* با توجه به وجود تجربه‌های تلخ قبلی، این نگرانی وجود داشته که برخی از منابع در آینده در اختیار علما نباشد. به همین دلیل است که این مسأله به عنوان نمونه در مقدمه کتاب *بحار الأنوار* مورد اشاره قرار گرفته و یکی از دلایل اصلی نگارش کتاب به شمار رفته است.^{۲۴} این مسأله موجب شده است تا برخی از منابع متقدم - که در معرض نابودی قرار داشت - در اثر فعالیت‌های این دوره حفظ شود.^{۲۵}

دلیل احتمالی دوم، آن است که توجه به تقطیع و اشکالات ناشی از آن به مرور در بین علما شکل جدی‌تری به خود گرفته و در پی دقت‌های انجام شده، موارد متعددی از این

۲۲. رک: بحث احادیث مضمردر کتب درایه. برای یک نمونه بارز از اضمار ناشی از تقطیع، رک: «اسناد ویژه کافی در وسائل الشیعة»، ص ۱۶۰ - ۱۶۲.

۲۳. برای دیدن برخی از موارد اشاره به تقطیع در *الکافی*، رک: همان، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.

۲۴. *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۴. علامه مجلسی در باره نگرانی خود نسبت به از دست رفتن منابع می‌فرماید: ولما رأیت الزمان فی غایة الفساد و وجدت أكثر أهلها حائدين عما یؤدی إلى الرشاد خشیت أن ترجع عما قلیل إلى ما کانت علیه من النسیان و الهجران و خفت أن یطرق إليها التثتت لعدم مساعدة الدهر الخوان.

۲۵. به عنوان نمونه مرحوم مجلسی در *بحار الأنوار*، احادیث بسیاری از *آلامالی* شیخ طوسی یا *المجالس* شیخ طوسی نقل کرده که در نسخه‌های چاپی نیامده است و به واسطه نقل او حفظ شده است. برای دیدن برخی از آنها رک: «اسناد ویژه کافی در وسائل الشیعة»، ص ۱۴۹.

قبیل مشکلات پدیدار شد. به همین دلیل، مؤلف وسائل الشیعه با وجود تلاش برای عدم حذف قراین و انتقال معنای صحیح روایت، احتمال حذف برخی قراین یا ایجاد برخی تغییرات معنایی را می‌داده است. از این رو، با تعیین موارد تقطیع و گوشزد کردن آن، زمینه را برای مراجعه به مصدر اصلی و مشاهده متن کامل روایت فراهم نموده و در مواردی به نقل صورت کامل آن در ذیل یکی از ابواب اقدام کرده است.^{۲۶} البته در مواردی که حدیث مرجع طولانی بوده و یا دارای احکام کاملاً مجزا از هم بوده است نیز، به دلیل آن که ذیل عنوان هیچ یک از ابواب جا نمی‌شده، از آوردن صورت کامل آن خودداری کرده است.^{۲۷}

حر عاملی برای اشاره به تقطیع روایت و تمییز حالات مختلف آن از عبارات متفاوتی بهره برده است. اولین نوع از تقطیع‌های وسائل الشیعه در مواردی است که پس از ذکر سند، عبارت «فی حدیث» یا عباراتی مشابه، مانند: «فی حدیث طویل» یا «فی جُمْلَةِ حَدِيثٍ»^{۲۸} به کار رفته است. بررسی موارد مختلف به کارگیری، نشان از آن دارد که این عبارات به معنای حذف بخشی از ابتدای روایت و در موارد معدودی از میانه یا انتهای آن است؛ به عنوان نمونه در روایتی به نقل از الکافی چنین آمده است:

فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ: لَمَّا أَدْنَى اللَّهُ لِنَبِيِّهِ فِي الْخُرُوجِ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْحُدُودَ وَ قِسْمَةَ الْفَرَائِضِ وَ أَخْبَرَهُ بِالْمَعْصِيَةِ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ بِهَا النَّارَ... لِإِنْ عَمِلَ بِهَا وَ أَنْزَلَ فِي بَيَانَ الْقَاتِلِ وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعْنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا وَ لَا يَلْعَنُ اللَّهُ مُؤْمِنًا، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَ أَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا»^{۲۹}

مراجعه به مأخذ حدیث (کتاب الکافی) نشان از آن دارد که در این روایت، قسمتی از ابتدای روایت و قسمتی از انتهای آن حذف شده است.^{۳۰} حتی بین عبارت «الی المدینه» و «انزل علیه الحدود» نیز عبارت «بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ رُسُولُهُ وَ إِقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَاءَ الزَّكَاةَ وَ حَجَّ الْبَيْتِ وَ صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ»

۲۶. «روش فهم حدیث در وسائل الشیعه»، ص ۷۷.

۲۷. مانند حدیث اربعماه که به نقل صدوق در النخصال، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در یک مجلس به اصحاب خویش تعلیم فرمود (النخصال، ص ۶۱) و مؤلف وسائل الشیعه از احکام مختلف آن در ابواب گوناگون بهره برده است. برای دیدن چند نمونه دیگر، رک: «روش فهم حدیث در وسائل الشیعه»، ص ۷۸.

۲۸. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۶.

۲۹. همان، ج ۲۹، ص ۲۰.

۳۰. الکافی، ج ۲، ص ۳۱.

وجود داشته که با اکتفا به عبارت «فی حدیث طویل» در ابتدای روایت حذف شده است. نوع دوم تقطیع‌های *وسائل الشیعه* مواردی است که عبارت حذف شده، بخشی از میانه یک روایت است. در این قبیل موارد، مؤلف *وسائل الشیعه* تقطیع را با تعبیری از قبیل «الی ان قال» و مانند آن نشان می‌دهد؛ به عنوان مثال، در روایتی به نقل از *الفقیه آمده است:*

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا عَلِيُّ! إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ سَنَّ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خَمْسَ سَنَنٍ أَجْرَاهَا اللَّهُ لَهُ فِي الْإِسْلَامِ، إِلَى أَنْ قَالَ: وَسَنَّ فِي الْقَتْلِ مِائَةَ مِنَ الْإِبِلِ فَأَجَزَى اللَّهُ ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ.^{۳۱}

سومین نوع از اشاره به تقطیع روایت، به کاربردن واژه «الحديث» در پایان روایت است که نشان‌دهنده حذف بخشی از انتهای روایت است.^{۳۲} این دسته از تقطیع‌ها نسبت به دو نوع قبل در کتاب *وسائل الشیعه* پرتکرارتر است؛ به عنوان نمونه در روایتی آمده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَقْتُلُ الرَّجُلُ بَوْلِدِهِ إِذَا قَتَلَهُ وَيَقْتُلُ الْوَلَدُ بَوْلِدِهِ إِذَا قَتَلَ وَالِدَهُ الْحَدِيثُ.^{۳۳}

در برخی از موارد نیز ترکیبی از انواع فوق به کار رفته است؛ به عنوان مثال، در حدیث زیر هر سه تعبیر در یک روایت به کار رفته است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ مَعَ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ: سَأَلْتُ رَحِمَكَ اللَّهُ عَنِ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ هُوَ الْإِقْرَارُ إِلَى أَنْ قَالَ: وَالْإِسْلَامُ قَبْلَ الْإِيمَانِ وَهُوَ يَشَارِكُ الْإِيمَانَ... فَعِنْدَهَا يَكُونُ خَارِجًا مِنَ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ وَدَاخِلًا فِي الْكُفْرِ الْحَدِيثُ.^{۳۴}

در برخی موارد، فقها و نویسندگان، مؤلف *وسائل الشیعه* را به تقطیع روایت بدون توجه دادن خواننده به این عمل متهم کرده‌اند؛^{۳۵} اما با مراجعه به اصل منبع مورد استفاده، مشخص می‌شود که بیشتر این تقطیعات ادعایی از سوی نویسندگان *وسائل الشیعه* نبوده و وی تنها روایت تقطیع شده توسط منبع اصلی را به همان صورت تقطیع شده، تکرار کرده

۳۱. *وسائل الشیعه*، ج ۲۹، ص ۱۹۸.

۳۲. این روش اشاره به تقطیع، گاه خود ابهام‌آفرین بوده است (رک: «اسناد ویژه کافی در وسائل الشیعه»، ص ۱۶۰).

۳۳. همان، ص ۷۷.

۳۴. *وسائل الشیعه*، ج ۲۸، ص ۳۵۴.

۳۵. به عنوان نمونه، یکی از مدرسان فقه حوزه قم، یکی از معایب کتاب *وسائل الشیعه* را عدم اشاره به تقطیع عنوان کرده و می‌گوید: «مؤلف *وسائل الشیعه* در کتاب *وسائل* به تقطیع روایات اشاره نکرده و فقط در هر بابی، قسمتی که مربوط به آن باب است، ذکر شده و این موجب شده که قراین و شواهدی که در فهم روایت تأثیر دارد، از بین برود.» (تقریرات دروس رجال و درایه، جلسه ۲۳ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۹: محاسن و معایب کتاب *وسائل الشیعه*).

است.^{۳۶} نگارندگان مقاله تنها موارد انگشت شماری یافته‌اند که مؤلف *وسائل الشیعه* نسبت به تقطیع خود در روایات اشاره ننموده باشد.^{۳۷}

به این ترتیب، مراجعان کتاب برای پیشگیری از خطاهای سهوی مؤلف در تقطیع روایات باید پس از مشاهده علامت تقطیع، به منبع اصلی مراجعه نموده و متن کامل روایت را مشاهده کنند. پایبندی مؤلف *وسائل الشیعه* به این التزام در تقطیع احادیث، با در نظر گرفتن حجم بالای کتاب و گستردگی تقطیع‌های آن، امانت‌داری و دقت بالای وی را در انتقال میراث حدیثی شیعه به آیندگان نشان می‌دهد. ارزشمندی این اقدام مؤلف *وسائل الشیعه*، به خصوص آن هنگام معلوم می‌گردد که با مراجعه به بسیاری از کتب نگاشته شده در عصر او - که حاوی نقل‌های تقطیع شده مشابه‌اند - نه تنها اثری از این اشارات مکرر به محل تقطیع وجود ندارد، بلکه در مواردی مشاهده می‌شود که اصل نقل مؤلف از منبع دیگر نیز گوشزد نشده است!^{۳۸}

۳. اختلاف نظر علما در ارزیابی تقطیع‌های *وسائل الشیعه*

بر خلاف آیه الله بروجردی و شاگردان ایشان - که تقطیع‌های *وسائل الشیعه* را از کاستی‌های این کتاب به شمار آورده و آن را آسیب‌زا ارزیابی کرده‌اند - بسیاری از علما معتقدند اشکالی متوجه روش *وسائل الشیعه* نیست و در صدد پاسخ‌گویی به اشکالات مطرح شده در باب تقطیع در این کتاب برآمده‌اند؛ به عنوان نمونه، آیه الله خوبی در پاسخ استدلال میرزای قمی به این که تقطیع شدن احادیث در کتب روایی مانع از انعقاد ظهور کلام برای «غیر من قصد افهامه» شده، می‌گوید:

این استدلال وقتی تمام است که این تقطیع را افراد غیر متورع در دین یا افرادی که عارف به اسلوب کلام عربی نباشند، انجام بدهند؛ چرا که [تنها] در این

۳۶. به عنوان نمونه، رک: *وسائل الشیعه*، ج ۱۳، ص ۴۷۱، ح ۱۵ که شرح آن در مورد ۴ از بخش دوم مقاله می‌آید.

۳۷. به عنوان مثال، به سه مورد اشاره می‌شود: (۱) *وسائل الشیعه* بخشی از روایتی را از *الکافی* (ج ۵، ص ۴۴۳، ح ۴) بدون اشاره به تقطیع، در کتاب خود نقل کرده است (ج ۲۳، ص ۲۱۷، ح ۲۹۴۰۴). وی روایتی را از *تهذیب الاحکام* (ج ۵، ص ۴۷۶، ح ۳۲۴) به دو نیم کرده و به صورت دو روایت پیاپی مجزا از هم نقل نموده است (*وسائل الشیعه*، ج ۱۱، ص ۳۳۸؛ حدیث ۲ و ۳) که به نوعی تقطیع بدون اخبار به شمار می‌رود. (۳) وی روایتی کوتاه و دو بخشی را از کتاب *من لا یحضره الفقیه* (ج ۱، ص ۲۶۶، ح ۸۲۰) به دو نیم کرده و هر یک را بدون اشاره به محل تقطیع در بابی جداگانه آورده است (*وسائل الشیعه*، ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۹۸۵؛ ج ۴، ص ۴۰۲، ح ۵۵۳۰).

۳۸. به عنوان نمونه می‌توان کار شیخ حرعاملی را با فیلسوف و عالم هم‌عصرش ملاصدرا مقایسه کرد (رک: «ملاصدرا و معضل انتحال: بازسنجی دفاعیه‌ها»).

هنگام احتمال دارد که تقطیع، موجب جدا شدن قرینه‌ای [موثر در فهم] از کل حدیث گردد که این امر در مورد صاحبان جوامع حدیثی شیعه، مانند شیخ حر عاملی در حالت کلی منتفی است.

سپس ایشان هدف از تقطیع حدیث را ارجاع هر مسأله از حدیث به ابواب متناسب، در عین بی‌ارتباطی بین تک‌تک مسائل دانسته و این بی‌ارتباطی را از این رو می‌بینند که راویان در حین تشریح به محض امام مجموعه سؤالات متفاوتی را از ایشان می‌پرسیدند که با نحوه استفتائات معمول زمان ما از مراجع تقلید قابل مقایسه است. آیه الله خوبی در انتها می‌افزاید:

به روشنی، این‌گونه از تقطیعات در انعقاد ظهور کلام مشکل‌زا نیست؛ چرا که با دقت و کوشش علمای زمان و به قصد ساده‌سازی فرآیند پیدا کردن مسائل انجام گرفته است و در غیر این صورت برای استنباط هر مسأله لازم بود کتابی به مانند *الکافی* از ابتدا تا به انتها یک بار خوانده شود [که بطلان آن روشن است].^{۳۹}

به این ترتیب، آیه الله خوبی اولاً از جهت شیوه، اصل تبویب و به دنبال آن، تقطیع روایات مشتمل بر چند مسأله مختلف را با رعایت دقت‌های لازم، امری ضروری و مفید بر شمرده و ثانیاً تقطیع صاحبان جوامع حدیثی شیعه مانند شیخ حر عاملی را در حالت کلی، به دلیل علم و ورع‌شان، عملی صحیح و بجا می‌داند.^{۴۰} مشخصاً این رویکرد با رویکرد ناقدین *وسائل‌الشیعه* متفاوت است^{۴۱} تا جایی که به اعتقاد برخی محققین، این مطلب یکی از نقاط افتراق بین آیه الله بروجردی و آیه الله خوبی است.^{۴۲}

در مورد نکته دوم آیه الله خوبی (صحت تقطیعات صورت گرفته در وسائل)، شماری از حدیث‌پژوهان معاصر نیز تقطیعات مؤلف *وسائل‌الشیعه* را مخلّ به حساب نیاورده و ایراد بعضی از متأخرین را در این باب وارد نمی‌دانند.^{۴۳} همچنین برخی از محققین شیخ حر

۳۹. مصباح‌الأصول، ج ۲، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.

۴۰. لازم به یادآوری است در ابتدای مقاله آمده بود که آیه الله خوبی از تقطیعات *وسائل‌الشیعه* با تعبیر «دأب صاحب الوسائل» یاد کرده بودند (التنقیح، ج ۶، ص ۴۷۸). می‌توان بین دو گفته ایشان این‌گونه جمع نمود که ایشان دأب مؤلف *وسائل‌الشیعه* را تقطیع می‌دانند، اما با فراوانی تقطیعات مخل در آن مخالف‌اند.

۴۱. علامه شعرانی نیز در مقدمه *الوافی* بر ترجیح عدم تقطیع صححه گذاشته و آن را یکی از مزایای *الوافی* به شمار آورده است (ر.ک. *الوافی*، ج ۱، ص ۲، به نقل از «بررسی آسیب تقطیع نادرست در روایات»، ص ۱۲۸).

۴۲. تقریرات خارج اصول فقه، جواد فاضل لنکرانی، سال ۱۳۸۶: أمارات، بحث ظن.

۴۳. *وسائل‌الشیعه*، ج ۳، ص ۱۲: «طرح تدوین جامع کبیر حدیث»، ص ۳۷. همچنین مؤسسه آل‌البیت نیز، در پاسخی

عاملی را از جهت دقت نظر در تقطیع احادیث و توجه او به ذکر تمام قراین تأثیرگذار ستوده‌اند.^{۴۴} قضاوت در این مسأله منوط به بررسی موارد تقطیع در *وسائل الشیعه* و ارزیابی پیامدهای آن میسر است که در ادامه خواهد آمد.

۴. بررسی موردی تقطیع‌های نادرست

گذشت که به علت بنای شیخ حرعاملی بر اختصار، پدیده تقطیع احادیث در جای جای ابواب این جامع حدیثی مشاهده می‌شود؛ با توجه به دقت علمی و امانت‌داری ایشان، بدیهی است که اکثر این تقطیعات نباید مخل فهم معنای درست روایت باشند و اگر صدر و ذیل روایت در برداشت فقهی موثر بود، قطعاً مؤلف - که استاد فن حدیث بوده - در ذکر آن قراین تلاش می‌نمود؛ همان گونه که آیه الله سبحانی می‌فرماید:

علمایی که این روایات را تقطیع کرده‌اند، افرادی عوام نبودند، بلکه سالیان سال در علم حدیث غور کرده‌اند؛ مسلماً اگر قرینیت حاکم بر کل روایت بود، آنها هنگام تقطیع به آن توجه داشته‌اند.^{۴۵}

کثرت تقطیع‌های صورت گرفته در *وسائل الشیعه*، تبدیل این کتاب به مهم‌ترین منبع روایی در پژوهش‌های فقهی، منتشر شدن و در دسترس قرار گرفتن اکثر مصادر کتاب *وسائل الشیعه* و امکان مقایسه و کشف اشکالات احتمالی ناشی از تقطیع، و حساسیت بیش از پیش فقها به پیامدهای تقطیع در جوامع روایی، همگی از جمله عواملی هستند که دست در دست هم دادند تا به مرور زمان، مواردی، هر چند اندک، از تقطیعات این کتاب - که مخل فهم کامل معنای روایت بود - آشکار شده و اشکالات مختلف ناشی از آنها توسط نویسندگان و فقهای بعدی اعلام شود.

در ادامه به نقل و بررسی نمونه‌هایی از این تقطیعات می‌پردازیم که در تألیفات و تقریرات فقهای متأخر به آنها اشاره شده و می‌تواند منشأ اشتباه مراجعان بعدی باشد. این نمونه‌ها

که بر نقد منتشر شده بر تحقیق جدید *وسائل الشیعه* نوشته‌اند، این ایراد را وارد ندانسته‌اند: «با توجه به شیوه نگارش مرحوم شیخ حر و تصریحی که در پایان کتاب آورده‌اند، این اشکال به ایشان نیز وارد نیست» («پاسخ مؤسسه آل البیت به نقد چاپ *وسائل الشیعه*»).

۴۴. عبدالحسین بقال محقق کتاب *الرعاية* نیز در انتهای پاسخ به یک اشکال موردی به تقطیع در *وسائل الشیعه*، می‌نویسد: «هذا، إن دل علی شیء، فإنما يدل علی مدى قدرة العاملی هنا، و حسن تنبهه، و عظم دقته فی فنیة التجزئة - التقطیع - و التوزیع و التبویب» (*الرعاية فی علم الدراریة*، پاورقی ص ۳۱۹).

۴۵. درس خارج اصول آیه الله جعفر سبحانی، جلسه مورخ ۸۸/۰۳/۱۱.

بیشتر با جست وجود تقریرات و کتب فقهی فقهای معاصر به دست آمده است:

(۱) مؤلف *وسائل الشیعة* روایتی را از عمار بن موسی چنین نقل کرده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ: وَلَا يَصَلِّيَ عَلَيْهِ وَهُوَ مَدْفُونٌ.^{۴۶}

بنا بر نظریه الله خویی همین روایت یکی از دلایل کسانی واقع شده که معتقدند اگر کسی بدون نماز دفن شد، لازم نیست بر قبر او نماز خوانده شود. آن گاه ایشان این برداشت را ناشی از تقطیع *وسائل الشیعة* اعلام کرده و به نقل کامل روایت اشاره می کند که در آن چنین آمده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَمَّنْ صَلَّى عَلَيْهِ فَلَمَّا سَلَّمَ الْإِمَامُ فَإِذَا الْمَيِّتُ مَقْلُوبٌ رِجْلَاهُ إِلَى مَوْضِعِ رَأْسِهِ، قَالَ: يَسْوَى وَتُعَادُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ وَإِنْ كَانَ قَدْ حُمِلَ مَا لَمْ يَدْفَنْ فَإِنْ دُفِنَ فَقَدْ مَضَتْ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ وَلَا يَصَلِّيَ عَلَيْهِ وَهُوَ مَدْفُونٌ.^{۴۷}

به نظر ایشان، با مراجعه به متن کامل روایت مشخص می گردد که عدم لزوم نماز بر قبر در مورد کسی است که نماز او به صورت مقلوب خوانده شده باشد و شامل میتی که نمازی بر او خوانده نشده یا نماز وی اشکال دیگری داشته، نمی شود.^{۴۸}

(۲) در بحث از استحباب طواف به عنوان یک عمل مستقل و خارج از اعمال حج، مؤلف *وسائل الشیعة* در «باب استحباب التطوع بالطواف و تکراره و اختیاره علی العتق المندوب» حدیثی را به صورت تقطیع شده از *الکافی* نقل می کند:

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله جعل حول الكعبة عشرين ومائة رحمة منها ستون للظائفين الحديث.^{۴۹}

آیه الله صافی گلپایگانی در کتاب *فقه الحج* این قطعه از حدیث را دارای ظهوری بر استحباب مطلق طواف، اعم از واجب و مستحب نمی داند؛ اما در ادامه، ذکر مصلین و ناظرین در کنار ظائفین را در ذیل اصل روایت «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَوْلَ الْكَعْبَةِ عِشْرِينَ وَمِائَةَ رَحْمَةٍ مِنْهَا سِتُّونَ لِلظَّائِفِينَ وَأَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ وَعِشْرُونَ

۴۶. *وسائل الشیعة*، ج ۳، ص ۱۰۶.

۴۷. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۰۱؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۴۲۸. البته این نقل نیز تقطیع شده و شکل کامل تری از این روایت را می توان در *الکافی* و تهذیب الاحکام مشاهده نمود: رک: *الکافی*، ج ۳، ص ۱۷۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۲۲.

۴۸. موسوعة الامام الخویی، ج ۹، ص ۲۶۷.

۴۹. *وسائل الشیعة*، ج ۱۳، ص ۳۰۲.

لِلتَّائِبِينَ»^{۵۰} قرینه لازم بر همان ظهور برمی شمرد که نبود آن، استدلال به روایت وسائل الشیعه را در این بحث، ناقص می کند.^{۵۱}

۳) مؤلف وسائل الشیعه روایتی را در «باب المکاتب هل تجب علیه الفطره» از الکافی و التهذیب بدین گونه نقل کرده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يُؤَدِّي الرَّجُلُ زَكَاةَ الْفِطْرَةِ عَنْ مَكَاتِبِهِ، الْحَدِيثُ.^{۵۲}

همان گونه که از کلمه «الحديث» مشخص است، مؤلف، ادامه روایت را تقطیع نموده است. متن کامل روایت - که در محل دیگری از وسائل الشیعه نیز نقل شده - چنین است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يُؤَدِّي الرَّجُلُ زَكَاةَ الْفِطْرَةِ عَنْ مَكَاتِبِهِ وَرَقِيقِ امْرَأَتِهِ وَعَبْدِهِ النَّصْرَانِي وَالْمَجُوسِي وَمَا أَعْلَقَ عَلَيْهِ بَابُهُ.^{۵۳}

علامه محمد تقی شوشتری پس از نقل روایت اول، نسبت به شیوه تقطیع آن اعتراض کرده و می گوید:

قرینه در ذیل روایت است و نباید فقط به صدر آن اکتفا شود.^{۵۴}

در این روایت، وجوب پرداخت زکات بنده مکاتب، مشروط به نانخور بودن او است؛ همان گونه که زکات غلام همسر نیز در صورتی بر مرد واجب است که عیال و نانخور مرد باشد (نه زن) و الا در صورت استقلال مالی زن، زکات فطره غلام وی، بر عهده خود او است. به این ترتیب، ایشان معتقد است که حذف بقیه روایت، پس از ذکر مکاتب، صحیح نیست و موجب حذف قرینه فهم حدیث می گردد.^{۵۵}

۴) در بحث از عدم جواز وجود حایل بین امام و مأموم در نماز جماعت، مؤلف وسائل الشیعه حدیثی را به نقل از الفقیه، الکافی و التهذیب می آورد:

عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: إِنْ صَلَّى قَوْمٌ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْإِمَامِ سُتْرَةٌ أَوْ جِدَارٌ فَلَيْسَ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلَاةٍ إِلَّا مَنْ كَانَ حِيَالِ الْبَابِ قَالَ وَقَالَ هَذِهِ الْمُقَاصِيرُ إِنَّمَا أَخَذَتْهَا الْجَبَّارُونَ وَ لَيْسَ لِمَنْ صَلَّى خَلْفَهَا مُقْتَدِيًا بِصَلَاةٍ مَنْ فِيهَا صَلَاةٌ.^{۵۶}

۵۰. الکافی، ج ۴، ص ۲۴۰.

۵۱. فقه الحج بحوث استدلالیه فی الحج، ج ۲، ص ۲۰۱ و ۲۰۲.

۵۲. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۶۴.

۵۳. همان، ص ۳۳۰.

۵۴. النجعة فی شرح اللمعة، ج ۴، ص ۱۱۴.

۵۵. «بررسی آسیب تقطیع نادرست در روایات»، ص ۱۳۵.

۵۶. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۰۷ - ۴۰۸.

قابل توجه است که عبارت اول این حدیث (إِنْ صَلَّى قَوْمٌ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْإِمَامِ سُتْرَةٌ أَوْ جِدَارٌ)، در هیچ یک از منابع یاد شده بدین صورت وجود ندارد و این عبارت در اثر تقطیع و وصل نمودن دو جمله مجزا از هم در اصل روایت الفقیه، حاصل شده است:

إِنْ صَلَّى قَوْمٌ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْإِمَامِ مَا لَا يَتَخَطَّى فَلَيْسَ ذَلِكَ الْإِمَامُ هُمْ بِإِمَامٍ وَأَيُّ صَفٍّ كَانَ أَهْلُهُ يَصَلُونَ بِصَلَاةِ إِمَامٍ وَبَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الصَّفِّ الَّذِي يَتَقَدَّمُهُمْ مَا لَا يَتَخَطَّى فَلَيْسَ تِلْكَ هُمْ بِصَلَاةٍ وَإِنْ كَانَ سِتْرًا أَوْ جِدَارًا فَلَيْسَ تِلْكَ هُمْ بِصَلَاةٍ...^{۵۷}

همان طور که برخی محققان تذکر داده‌اند، این تقطیع و تبدیل جمله موجب تغییر معنا شده است؛^{۵۸} چرا که ستر مورد بحث در اصل روایت، لزوماً ستر بین امام و مأمومین نیست و در باره آن می‌توان احتمال‌های دیگری نیز داد.

نمونه‌های دیگر مشکل در تقطیع - که به اجمال مورد اشاره قرار می‌گیرد عبارت‌اند از:

۵) مرحوم نراقی روایتی را از وسائل الشیعة بر نقل فعل امام حمل نموده است؛ در حالی که محقق کتاب به این برداشت اعتراض کرده و آن را ناشی از تقطیع حدیث در وسائل الشیعة دانسته است.^{۵۹}

۶) مستمسک از روایتی تقطیع شده در وسائل الشیعة برداشت نموده که «سعی» مستقل از عمره، عملی مستحب است^{۶۰} که مورد اعتراض آیه الله فاضل^{۶۱} و آیه الله مکارم قرار گرفته است.^{۶۲} البته حق در این مورد، آن است که اشکال ناشی از تقطیع صاحب المحاسن است که مؤلف وسائل الشیعة عیناً آن را نقل نموده است.

۷) آیه الله سند بحرانی در بحث حج، به تقطیع صدر روایتی در باب حج - که موجب سوء برداشت از روایت شده است - اعتراض نموده است.^{۶۳}

۸) در التعلیقة الاستدلالية علی تحریر الوسیلة به تقطیع روایتی که مستند اختصاص خمس به سادات فقرا قرار گرفته اعتراض شده و ادامه روایت در کتاب الکافی مخالف این برداشت معرفی شده است.^{۶۴} البته مؤلف وسائل الشیعة نیز در فتوای خود در عنوان باب،

۵۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۶.

۵۸. البحث فی رسالات العشر، ص ۳۲.

۵۹. مستند الشیعة فی احکام الشریعه، ج ۲، ص ۳۲۳ (پاورقی).

۶۰. موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۷، ص ۱۲۰.

۶۱. کتاب الحج، ج ۲، ص ۱۹۱.

۶۲. درس خارج فقه آیه الله ناصر مکارم شیرازی، جلسه ۸۸/۰۲/۲۷.

۶۳. سند العروة الوثقی (کتاب الحج)، ج ۱، ص ۲۸.

۶۴. التعلیقة الاستدلالية علی تحریر الوسیلة، ص ۳۰۸.

این حق را منحصر در فقرا از سادات ندانسته و با عنوان کلی «المسکین» از آنها یاد کرده است که احتمالاً ناشی از توجه ایشان به ذیل روایت است.^{۶۵}

۹) مؤلف *وسائل الشیعة* در بحث «حکم شک در به جا آوردن نماز در وقت آن» روایتی را به نقل از *الکافی* و با حذف صدر آن آورده است که طبق این قطعه از روایت، «وقت فوت» ظهور در «زمان تمام شدن وقت ادای نماز» دارد؛ در حالی که استظهار علامه مجلسی در شرح این روایت در *مرآة العقول*^{۶۶} و *بحار الأنوار*^{۶۷} و نیز ملامحسن فیض کاشانی در *الوافی*^{۶۸} «فوت وقت فضیلت نماز» است.

۱۰) آیه الله خوئی علت برداشت نادرست از روایتی تقطیع شده را در *وسائل الشیعة*، مبنی بر عدم جواز نماز مستحبی برای کسی که نماز واجب بر عهده او است، تقطیع روایت توسط مؤلف کتاب دانسته است.^{۶۹}

نمونه های فوق قریب به اتفاق مواردی است که در کتاب های فقه استدلالی به عنوان اشکالات ناشی از تقطیع های *وسائل الشیعة* مورد اشاره قرار گرفته است و نگارندگان مقاله به آن دست یافتند. این تعداد اندک در مقابل حجم بالای تقطیع ها در *وسائل الشیعة* از یک سو و نقش این کتاب به عنوان مهم ترین مصدر حدیثی بسیاری از آثار فقهی از سوی دیگر حکایت از آن دارد که حجم اشکالات ناشی از تقطیع های حر عاملی بسیار اندک و ناچیز است.

نگارش «جامع احادیث الشیعة» تلاشی برای رفع نقیصه تقطیع در وسائل

آیه الله بروجردی با وجود آن که کتاب *وسائل الشیعة* را بسیار ارجح می نهاد، ولی اصرار داشت که این کتاب به سبب برخی اشکالات و کاستی ها نیازمند تنقیح و تکمیل است. یکی از مهم ترین اشکالات ایشان بر کتاب *وسائل الشیعة* وجود تقطیع در روایات آن است. در مقدمه جامع احادیث الشیعة حدود بیست مورد از این کاستی ها ذکر شده^{۷۰} و در ضمن بیان

۶۵. *وسائل الشیعة*، ج ۹، ص ۵۲۰.

۶۶. *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، ج ۱۵، ص ۶۷: «قوله ﷺ: أو شککت فی وقتها، أي إذا شککت وأنت فی الوقت أي وقت الفضیلة، أو فی وقت فوتها أي شککت فی وقت فوتها أي وقت الإجزاء بعد ما فات وقت الفضیلة أنك لم تصلها».

۶۷. *بحار الأنوار*، ج ۸۵، ص ۱۹۱: «الظاهر أن المراد بوقت الفوت وقت فوت الفضیلة».

۶۸. *الوافی*، ج ۸، ص ۱۰۰۶: «وقوله أو فی وقت فوتها أي فی وقت فوت فضیلتها أعنی فوت وقت المختار».

۶۹. *التنقیح فی شرح العروه الوثقی*، الصلاة، ج ۱، ص ۴۷۲.

۷۰. *جامع احادیث الشیعة*، مقدمه، ص ۹-۱۰ و برای دیدن مهم ترین موارد، رک: مدخل «جامع احادیث الشیعة فی

مشکلات کتاب *وسائل الشیعة* آمده است:

و خالی از تکرار ابواب و احادیث و تقطیع اخبار و اسانید نیست.

هر چند در این تعابیر به موضوع تقطیع روایات در *وسائل الشیعة*، بسیار گذرا اشاره شده است، ولی برخی از شاگردان آیه الله بروجردی این مسأله را به شکل پررنگ تری به نقل از ایشان، به عنوان یکی از مهم ترین دلایل تدوین کتاب *جامع احادیث الشیعة* معرفی نموده اند.^{۷۱}

همچنین، از ایشان نقل شده است که عمل تقطیع را مسبب آسیب های دیگری نیز می دانسته اند؛ از جمله: (۱) تکرار اسناد احادیث و زیاد شدن ابواب کتاب و در نتیجه، پرحجم شدن کتاب، تا آنجا که گفته اند نزدیک به یک سوم احادیث *وسائل الشیعة* تکراری است؛ (۲) ذکر نشدن تمامی سندهای یک حدیث در هر بار تقطیع و بسنده کردن به ذکر یک سند در بسیاری از مواقع؛ (۳) تکثیر غیر ضروری ابواب و عناوین کتاب و تشکیل چندین باب در یک موضوع.^{۷۲}

آیه الله بروجردی - که چنین ضعف هایی را در جوامع روایی بر نمی تابد - به این فکرافتاد که طرح جامعی حدیثی را پیشنهاد کند که در بردارنده تمامی احادیث فقهی و دارای باب بندی مناسب و بدون تکرار و تقطیع باشد.^{۷۳}

با استقبال شاگردان ایشان از این طرح، اجرای آن به اهتمام شماری از آنان و با اشراف و نظارت مستمر ایشان آغاز شد و پس از فوت ایشان به انجام رسید.^{۷۴} در مقدمه کتاب، نکاتی مربوط به روش تدوین *جامع احادیث الشیعة* آمده است که دهمین بند آن مربوط به بحث تقطیع در این کتاب است.^{۷۵} بر این اساس در *جامع احادیث الشیعة* تلاش شده است تا به ویژه در روایات کتب اربعه از تقطیع پرهیز شود. از این میان، چند مورد استثنا شده است که عبارت اند از:

احکام الشریعة.

۷۱. ر. ک: تقریرات فقهی دروس ایشان از جمله: *زبدة المقال فی خمس الرسول والآل* (تقریرات درس آیه الله بروجردی توسط سید عباس حسینی قزوینی)، ص ۵۱، بحث خمس غنایم دریایی؛ نیز: *تبیان الصلاة* (تقریرات درس آیه الله بروجردی توسط حاج علی صافی گلپایگانی)، ج ۸، ص ۲۷۵.

۷۲. «آثار و تألیفات آیه الله بروجردی»، ص ۲۹۵ - ۲۹۷.

۷۳. *جامع احادیث الشیعة*، ص ۱۳.

۷۴. برای آگاهی از سیر نگارش کتاب، ر. ک: «جامع احادیث الشیعة امتیازها و ضعف ها و روش استفاده از آن»، قسمت الف؛ نیز: «نگاهی به کتاب جامع احادیث الشیعة».

۷۵. *جامع احادیث الشیعة*، ج ۱، ص ۱۷.

۱. احادیث طولانی که مشتمل بر موضوعات متعددی هستند؛ از جمله حدیث وصیت پیامبر، حدیث مناہی ایشان، حدیث اربعمأه، حدیث علل الاحکام، خطبه‌ها و مانند آن؛
۲. احادیثی که صدر یا ذیل آنها مربوط به احکام نیست. در این گونه احادیث نیز قسمت غیر مرتبط به احکام، بدون این که الزاماً در جای دیگری به صورت کامل آمده باشد، تقطیع شده است.
۳. در ابواب مقدمات نیز برخی از احادیث تقطیع شده‌اند که بعدها متن کامل آنها مورد اشاره قرار گرفته است.^{۷۶}

بررسی تطبیقی تقطیع‌های وسائل الشیعه و جامع احادیث الشیعه

برای روشن‌تر شدن تفاوت روش وسائل الشیعه و جامع احادیث الشیعه، تعدادی از تقطیع‌های که در کتاب معینی از وسائل الشیعه صورت گرفته، با نقل همان روایات در جامع احادیث الشیعه مقایسه شد. نتیجه این مقایسه به خوبی بیان‌گر تفاوت روش این دو کتاب در شیوه و میزان تقطیع در روایات است.

بر این اساس این نمونه‌ها می‌توان تقطیع‌های وسائل الشیعه را به سه دسته کلی تقسیم نموده و تفاوت عملکرد جامع احادیث الشیعه را در هر دسته مشاهده نمود:

۱. روایات طولانی

یکی از اقسام روایاتی که در کتاب وسائل الشیعه تقطیع شده است، روایاتی است که در اصل بسیار طولانی بوده و مشتمل بر موضوعات بسیار متعددی است. در این موارد مؤلف وسائل الشیعه اقدام به تقطیع روایت به قسمت‌های کوچک نموده است.

همان گونه که به نقل از مقدمه جامع احادیث الشیعه گذشت، در این کتاب نیز با این روش موافقت شده و روایات طولانی تقطیع شده است. در بیشتر اوقات چگونگی و میزان این تقطیع در جامع احادیث الشیعه همانند وسائل الشیعه است. البته در مواردی نیز تفاوت‌هایی بین این دو کتاب وجود دارد؛ به عنوان مثال، جامع احادیث الشیعه در مواردی تلاش نموده است تا علاوه بر اصل موضوع، حواشی آن را با تفصیل بیشتری نسبت به وسائل الشیعه نقل کند.^{۷۷}

۷۶. این مسأله توسط شاگردان ایشان نیز مورد تأکید قرار گرفته است (ر.ک: ترتیب اسانید کتاب الکافی، مقدمه آیه الله واعظ زاده، ص ۴۵).

۷۷. وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۵۵. روایت آن در جامع احادیث الشیعه نیز همانند وسائل الشیعه تقطیع شده ولی

۲. روایات مشتمل بر اسباب صدور و مطالب غیر فقهی

دومین دسته از تقطیع‌های *وسائل الشیعة* مربوط به روایاتی است که در آنها تنها یک موضوع فقهی طرح شده است، ولی در کنار طرح موضوع، مقدمه‌ای مشتمل بر بیان حالت امام یا راوی یا زمان صدور روایت یا دلیل صدور ذکر شده یا در میان روایت امام یا راوی، متعرض نکته‌ای شده‌اند که خارج از بیان موضوع است.

در این‌گونه موارد، جامع/احادیث *الشیعة* برخلاف *وسائل الشیعة* تلاش نموده است تا روایت را به صورت کامل نقل نموده و از حذف این قبیل موارد بپرهیزد؛ به عنوان نمونه در روایتی از جلد ۲۹ *وسائل الشیعة*، چنین آمده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَقَفَ بِنِيَّ حِينَ قَضَى مَنَاسِكَهَا فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ إِلَى أَنْ قَالَ، فَقَالَ: أَيُّ يَوْمٍ أَكْبَرُ حُرْمَةً، فَقَالُوا: هَذَا الْيَوْمُ...^{۷۸}

جامع/احادیث *الشیعة* برخلاف *وسائل الشیعة* قسمت تقطیع شده را نقل نموده است. در این کتاب آمده است:

عن أبي عبدالله عليه السلام قال: ان رسول الله ﷺ وقف بمنى حين قضى مناسكه في حجة الوداع، فقال: ايها الناس! اسمعوا ما اقول لكم واعقلوه، فاني لا ادري لعلي لا القاكم في هذا الموقف بعد عامنا هذا، ثم قال: اي يوم اعظم حرمة قالوا هذا اليوم...^{۷۹}

همان گونه که مشاهده می‌شود، عباراتی که در *وسائل الشیعة* تقطیع شده است، بخشی از روایت پیامبر اکرم ﷺ است که هر چند مشتمل بر حکم فقهی نیست، ولی بیان‌گر فضایی است که روایت در آن صادر شده است.

۳. روایات مشتمل بر چند حکم شرعی

سومین دسته از تقطیع‌های *وسائل الشیعة* مربوط به روایاتی است که مشتمل بر دو یا چند بخش است که هر یک از این بخش‌ها بیان‌گر حکم فقهی مستقلی است. در این دسته نیز روش *وسائل الشیعة* با جامع/احادیث *الشیعة* متفاوت است. *وسائل الشیعة* در این موارد روایت را به چند بخش تقسیم نموده و هر بخش را در باب مربوط به آن نقل نموده است. در مقابل، جامع/احادیث *الشیعة* در این موارد روایت را به صورت کامل در یکی از ابواب - که به نظر

مقدمات آن با تفصیل بیشتری نقل شده است (جامع/احادیث *الشیعة*، ج ۳۱، ص ۱۴۶).

۷۸. *وسائل الشیعة*، ج ۲۹، ص ۱۰.

۷۹. جامع/احادیث *الشیعة*، ج ۳۱، ص ۱۲۸.

می رسد ارتباط بیشتری با روایت دارد - نقل می کند. اضافه کردن این نکته ضروری است که جامع احادیث الشیعة ضمن نقل روایت در یک باب، در سایر ابواب مربوط به روایت، با عبارت «تقدم» یا «یأتی» با ذکر باب و شماره روایت و نقل تقطیع شده قسمت مرتبط از قول معصوم، به محل ذکر روایت کامل اشاره می کند.

وسائل الشیعة در «بَابُ حُكْمِ الرَّجُلِ يَقْتُلُ الْمَرْأَةَ وَالْمَرْأَةُ تَقْتُلُ الرَّجُلَ» روایتی را به این شکل نقل کرده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي الرَّجُلِ يَقْتُلُ الْمَرْأَةَ مُتَعَمِّدًا فَأَرَادَ أَهْلُ الْمَرْأَةِ أَنْ يَقْتُلُوهُ قَالَ: ذَاكَ لَهُمْ إِذَا أَدَّوْا إِلَى أَهْلِهِ نِصْفَ الدِّيَةِ وَإِنْ قَبِلُوا الدِّيَةَ فَلَهُمْ نِصْفُ دِيَةِ الرَّجُلِ وَإِنْ قَتَلَتِ الْمَرْأَةُ الرَّجُلَ قَتَلَتْ بِهِ لَيْسَ لَهُمْ إِلَّا نَفْسُهَا الْحَدِيثُ. ^{۸۰}

ذیل این روایت بعدها در «بَابُ ثُبُوتِ الْقِصَاصِ بَيْنَ الرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ فِي الْأَعْضَاءِ وَ الْجِرَاحَاتِ حَتَّى تَبْلُغَ ثُلُثَ الدِّيَةِ فَتُضَاعَفَ دِيَةُ الرَّجُلِ» به این شکل نقل شده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: جِرَاحَاتُ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ سَوَاءٌ سِنَّ الْمَرْأَةِ بِسِنَّ الرَّجُلِ وَ مُوضِحَةُ الْمَرْأَةِ بِمُوضِحَةِ الرَّجُلِ وَ إِصْبَعُ الْمَرْأَةِ بِإِصْبَعِ الرَّجُلِ حَتَّى تَبْلُغَ الْجِرَاحَةَ ثُلُثَ الدِّيَةِ فَإِذَا بَلَغَتْ ثُلُثَ الدِّيَةِ ضَعُفَتْ دِيَةُ الرَّجُلِ عَلَى دِيَةِ الْمَرْأَةِ. ^{۸۱}

در مقابل، جامع احادیث الشیعة در «باب حکم قتل الرجل المرأة و بالعکس» روایت را به صورت کامل نقل نموده است. ^{۸۲} همچنان با توجه به این که ذیل روایت مربوط به موضوع دیه اعضا است، در «باب ان القصاص بين الرجل والمرأة في الاعضاء و الجراحات سواء حتى تبلغ ثلث الدية...» به نقل این روایت اشاره نموده و آورده است:

و تقدم في رواية الحلبي (۳) من باب (۱۷) حکم قتل الرجل المرأة و بالعکس من ابواب القتل و القصاص ج ۳۱ قوله عليه السلام «جراحات الرجال و النساء سواء سن المرأة بسن الرجل و موضحة المرأة بموضحة الرجل و اصبع المرأة باصبع الرجل حتى تبلغ الجراحة ثلث الدية فاذا بلغت ثلث الدية اضعفت دية الرجل على دية المرأة». ^{۸۳}

به این ترتیب در این قبیل موارد - که نمونه های آن در وسائل الشیعة و جامع احادیث الشیعة به فراوانی یافت می شود - جامع احادیث الشیعة تلاش نموده است تا روایت را در یک

۸۰. وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۸۱.

۸۱. همان، ج ۲۹، ص ۱۶۳.

۸۲. جامع احادیث الشیعة، ج ۳۱، ص ۱۸۳.

۸۳. همان، ج ۳۱، ص ۳۰۷.

مورد کامل نقل نموده و در سایر موارد متناسب با عنوان باب تقطیع نماید و با ذکر نشانی دقیق متن کامل، ضمن تسهیل دسترسی مخاطبان به روایت کامل، از طولانی شدن کتاب خود نیز بکاهد.

ارزیابی شیوه تقطیع در دو کتاب

روش مشابه دو کتاب در روایات طولانی پذیرفته و صحیح است. با تقطیع این روایات، از مواجه شدن استفاده‌کنندگان با روایات بسیار طولانی که بخش عمده آن مرتبط با موضوع نبوده و مؤثر در فهم نیز نیست، جلوگیری می‌شود.

حذف حواشی ذکر شده در کنار موضوع اصلی، از قبیل سبب صدور حدیث یا حالت امام یا راوی و مواردی از این قبیل که حداقل در برخی از موارد می‌تواند در فهم حدیث تأثیر اساسی داشته باشد، چه در روایات طولانی و چه در روایات دسته دوم که روایاتی است که علاوه بر احتمال بریک موضوع فقهی، این حواشی را نیز در بردارد، کار صحیحی نیست. در این موارد باید جانب جامع احادیث الشیعة را مقدم داشت. بخش عمده اشکالات ذکر شده در نمونه‌های بند چهار این مقاله در *وسائل الشیعة* نیز از همین دسته است.

در باره دسته سوم - که شامل روایات در بردارنده بردو یا چند موضوع فقهی مختلف است - نیز باید گفت که *وسائل الشیعة* و جامع احادیث الشیعة هر یک اشکالی را پذیرا شده‌اند تا بتوانند اشکال دیگری را برطرف کنند. در این جهت، *وسائل الشیعة* تلاش نموده تا در هر باب تنها بخش مرتبط از روایات را با ارجاع به منبع ذکر کند تا فرآیند استنباط تسهیل و تسریع شود؛ هر چند این کار در موارد بسیار نادری به طور ناخواسته به حذف قراین فهم حدیث انجامیده است.

در مقابل، جامع احادیث الشیعة تلاش می‌کند در یکی از دفعات نقل، با آوردن کامل روایت، قراین احتمالی را از روایت حذف نکند؛ اما در سایر موارد، با استفاده از ارجاع، از طولانی شدن کتاب پرهیز کرده و با نقل تقطیع شده قسمتی کوتاه و مرتبط از روایت (بدون ذکر سند)، این امکان را برای خواننده فراهم می‌کند تا از تعابیر نقل شده میزان ارتباط روایت با بحث را متوجه شده و در صورت نیاز به اصل روایت مراجعه نماید.

به این ترتیب، هر دو مؤلف در این دسته خود را ناچار از تقطیع دانسته‌اند.^{۸۴} در جامع

۸۴. سید محمد رضا حسینی جلالی، به خوبی به این امر اشاره کرده است: «المراجع یجد الحدیث مقطوعاً فی سائر الموارد علی کل حال» (*وسائل الشیعة*، ج ۳۰، ص ۱۲).

احادیث الشیعه خوانندگان برای دیدن متن کامل حدیث ناچار به مراجعه به سایر ابواب کتاب‌اند، ولی در وسائل الشیعه روایتِ تقطیع شده به همراه سند نقل شده و خوانندگان در صورت احتمال وجود خطا باید برای مشاهده متن کامل روایت به منبع اصلی مراجعه نمایند. استاد حسینی جلالی در مقدمه جلد آخر وسائل الشیعه در پاسخ به اشکالات آورده است:

ارجاع به بابی که روایت در آن به صورت کامل نقل شده است در ایجاد مشکل، کمتر از ارجاع به مصدر اصلی نیست. و به هر ترتیب، مراجعه کننده روایت را در سایر ابواب به صورت تقطیع شده مشاهده خواهد نمود. پس اگر بخواهیم به شیوه مؤلف در کم کردن حجم کتاب ملتزم بمانیم، روش صحیح و مقبولی جز همان تقطیع نخواهیم یافت.^{۸۵}

نقل قسمت‌های غیر مرتبط در باب،^{۸۶} و ابهام در دلیل ترجیح یک باب بر باب دیگر برای نقل روایت کامل،^{۸۷} از دیگر اشکالات طرح شده نسبت به شیوه جامع احادیث الشیعه است. به این ترتیب، هر دو کتاب در دسته سوم، ناچار به تقطیع روایات مشتمل بر چند حکم شده‌اند؛ هر چند در روش جامع احادیث الشیعه به دلیل ارجاع به خود کتاب برای مشاهده متن کامل حدیث، استفاده کنندگان با سختی کمتری مواجه هستند.

نتیجه

۱. تقطیع روایات پدیده‌ای بیشتر ناشی از تبویب در کتاب‌های حدیثی است که پژوهش‌گران همواره نسبت به آسیب‌های ناشی از آن هشدار داده‌اند. در دوره معاصر کتاب وسائل الشیعه به عنوان مهم‌ترین جامع حدیثی مشتمل بر تقطیع‌های مشکل‌دار معرفی شده است؛ به نحوی که رفع این مشکل به عنوان یکی از اصلی‌ترین دلایل نگارش کتاب جامع احادیث الشیعه معرفی شده است.

۲. وسائل الشیعه مشتمل بر حجم بالایی از تقطیع است که با هدف اختصار و تسهیل تبویب کتاب صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تقطیع در این کتاب، آن

۸۵. وسائل الشیعه؛ ج ۳، ص ۱۱. روشن است که ایشان با توجه به تخریب‌های صورت گرفته در چاپ مؤسسه آل‌البیت از وسائل الشیعه که کار مصدربابی را تسهیل نموده، این استدلال را کرده‌اند.

۸۶. تقریرات خارج اصول فقه جواد فاضل لنکرانی، سال ۱۳۸۶. اما در بسیاری از روایات دسته سوم می‌توان اندک ربطی را بین سؤالات مطرح شده در نظر گرفت.

۸۷. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲.

است که مؤلف در کتاب خود به قریب به اتفاق موارد تقطیع و انواع آن اشاره کرده است. موارد خطای ناشی از تقطیع‌های کتاب *وسائل الشیعة* نیز نسبت به حجم تقطیع در این کتاب و میزان بهره‌گیری فقها از آن در طی قرون مختلف بسیار نادر و اندک است.

۳. *جامع احادیث الشیعة* در روایات طولانی، همانند *وسائل الشیعة* اقدام به تقطیع روایات نموده است؛ هر چند در روایات مشتمل بر چند حکم هر دو کتاب روایات را تقطیع نموده‌اند، ولی *جامع احادیث الشیعة* هر روایت را دست‌کم در یک مورد به صورت کامل نقل نموده است. شیوه *جامع احادیث الشیعة* در عدم تقطیع اسباب صدور حدیث بر شیوه *وسائل الشیعة* ترجیح دارد. مشکلات ناشی از تقطیع در *وسائل الشیعة* غالباً به این موضوع ارتباط دارد.

۴. با توجه به موارد فوق (اشاره به موارد تقطیع در *وسائل الشیعة*، ندرت تقطیع‌های آسیب‌زا در این کتاب و شباهت فراوان شیوه *جامع احادیث الشیعة* به *وسائل الشیعة* در تقطیع) باید گفت در باره حجم اشکالات ناشی از تقطیع در این کتاب بزرگ‌نمایی شده است. شاید یکی از دلایل عدم استقبال چشم‌گیر جامعه علمی از کتاب *جامع احادیث الشیعة* و ناتوانی این کتاب در جایگزینی *وسائل الشیعة* به همین موضوع مربوط باشد.

کتابنامه

- آسیب شناخت حدیث، عبدالهادی مسعودی، قم: زائر، اول، ۱۳۸۹ ش.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، سوم، ۱۴۰۳ ق.
- البحث فی رسالات العشر، محمد حسن قدیری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، اول، ۱۴۰۹ ق.
- بررسی تطبیقی جوامع روایی فریقین (جزوه درسی)، محمد حسین بهرامی، خرداد ۱۳۹۱ ش.
- التعلیقة الاستدلالية علی تحریر الوسیلة، أبوطالب تجلیل تبریزی، مؤسسه العروج، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
- تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
- التنقیح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خوبی، قم: دارالهادی، ۱۴۱۰ ق.
- تهذیب الأحكام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: خرسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- جامع احادیث الشیعة، سید حسین بروجردی، مقدمه: معزی ملایری، قم: المطبعة العلمية، ۱۳۹۹ ق.

- دراية الحديث، كاظم مدير شانه چي، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۸۴ ش.
- رسالة في قاعدة نفى الضرر، شيخ موسى نجفي خوانساري، مكتبة المحمدية.
- الرعاية في علم الدراية، زين الدين محمد عاملي (شهيد ثاني)، تحقيق: عبد الحسين محمد علي بقال، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، دوم، ۱۴۰۸ ق.
- فقه الحج بحوث استدلالية في الحج، لطف الله صافي گلپايگاني، قم: مؤسسة سيدة المعصومة عليها السلام، ۱۳۸۱ ش.
- القواعد الفقهية، ناصر مكارم شيرازي، قم: مدرسه الامام علي بن ابي طالب عليه السلام، سوم، ۱۳۸۷ ش.
- تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة، محمد فاضل لنكراني، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.
- كتاب من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دوم، ۱۴۱۳ ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب بن اسحاق كليني، تهران: دار الكتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- گفتگوها و گفتارها در باره كليني و «الكافي»، «اسناد ويژه كافي در وسائل الشيعة»، سيد محمد جواد شبيري زنجاني، قم: دار الحديث، ۱۳۸۸ ش.
- المحاسن، احمد بن محمد برقي، تهران: دار الكتب الإسلامية، اول، ۱۳۳۰ ش.
- مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسي، دار الكتب الإسلامية، تهران: اول، ۱۴۰۴ ق.
- مستند الشيعة في احكام الشريعة، مولى احمد نراقي، قم: مكتبة آيت الله العظمى مرعشي، ۱۴۰۵ ق.
- مصباح الأصول، سيد ابوالقاسم خويي، تقرير بحث السيد الخوئي للبهسودي، قم: مكتبة الداوري، پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- معجم مصطلحات الرجال و الدراية، محمد رضا جديدي نژاد، قم: دار الحديث، ۱۳۸۰ ش.
- النجعة في شرح اللمعة، محمد تقى شوشتری، تهران: كتابخانه صدوق، ۱۳۶۴ ش.
- النجم الزاهر في صلاة المسافر، سيد محمد حجت كوه كمری، تبريز: طلوع، ۱۳۶۸ ش.
- الوافي، محمد محسن فيض كاشاني، اصفهان: كتابخانه امام اميرالمومنين علي عليه السلام، اول، ۱۴۰۶ ق.

- «اسناد ویژه کافی در وسائل الشیعة»، سید محمد جواد شبیری زنجانی.
- «آثار و تألیفات آیه الله بروجردی»، رضا استادی، مجله حوزه، سال ۸، شماره ۱ و ۲، فروردین - تیر ۱۳۷۰ ش.
- «بررسی آسیب تقطیع نادرست در روایات»، محمد علی مهدوی راد، سید علی دلبری، فصلنامه علوم حدیث، سال ۱۵، شماره اول.
- «پاسخ مؤسسه آل البيت به نقد چاپ وسائل الشیعة»، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مجله حوزه، ش ۳۹، مرداد و شهریور ۱۳۶۹ ش.
- «تقطیع حدیث، علل و پیامدهای آن»، مجید معارف، مجموعه مقالات «شناخت حدیث (مبانی فهم متن - اصول نقد سند)» تهران: نیا، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۱۷ - ۱۳۸.
- «جامع احادیث الشیعة امتیازها و ضعفها و روش استفاده از آن»، محمد تبریزی، فصلنامه فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، تابستان ۱۳۸۷، ش ۵۶.
- «جامع احادیث الشیعة فی احکام الشریعة»، محمد کاظم رحمان ستایش، دانش نامه جهان اسلام.
- «روش فهم حدیث در وسائل الشیعة»، فتحیه فتحی زاده، نجمه افشاری، دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش.
- «طرح تدوین جامع کبیر حدیث»، ضیاء الدین محمودی، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۸، ۱۳۸۰ ش.
- «ملاصدرا و معضل انتحال: بازسنجی دفاعیه‌ها»، سید حسن اسلامی، دو ماهنامه آینه پژوهش، سال ۲۲، شماره ۵ (پیاپی ۱۳۱)، آذر و دی ۱۳۹۰ ش.
- «نگاهی به کتاب جامع احادیث الشیعة»، محمد علی سلطانی، مجموعه مقالات «شکوه فقاهت»، یادنامه مرحوم آیه الله حاج آقا حسین بروجردی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات، ص ۲۲۳ - ۲۳۴.
- «تقریرات خارج اصول فقه»، جواد فاضل لنکرانی، سال ۱۳۸۶: امارات، بحث ظن. منتشر شده در وبسایت نویسنده: www.fazellankarani.com/persian/lesson/1399
- «تقریرات دروس رجال و درایه»، سید مجتبی نورمفیدی، سال ۹۰ - ۹۱، منتشر شده در وبسایت نویسنده: <http://www.m-noormofidi.com/list.asp?gid=119&pg=2>
- پایگاه اینترنتی مدرسه فقاهت (www.eshia.com): آرشیو تقریرات فقهی فقهی معاصر.
- نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم: ۱۳۸۹ ش.